

طرد اجتماعی، بزهکاری جوانان و مشارکت ورزشی

امین دهقان قهفرخی^{۱*} - امین رشیدلمیر^۲

۱. استادیار مدیریت ورزشی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران، تهران، ایران، ۲. استادیار مدیریت ورزشی دانشکده علوم انسانی

دانشگاه نیشابور، نیشابور، ایران

(تاریخ دریافت : ۰۵ / ۱۰ / ۱۳۹۳، تاریخ تصویب : ۲۵ / ۰۳ / ۱۳۹۴)

چکیده

در برابر سازوکارهای طردکننده اجتماعی، ورزش به‌عنوان یک سازوکار جذب اجتماعی مورد توجه بوده است. اجتماعی شدن از طریق ورزش عاملی در جهت ایجاد حس تعلق به جامعه در میان گروه‌های در معرض خطر در جامعه است که نمود آن را می‌توان در میزان بزهکاری جوانان مشاهده کرد. با استفاده از داده‌های حاصل از مصاحبه با ۱۸۳ دانش‌آموز دبیرستانی در محلات محروم شهری، نقش ورزش در ایجاد باورها و نگرش‌های موافق ارزش‌های پذیرفته‌شده جامعه بررسی شده است. فاکتورهای تغییردهنده رفتار در تحلیل رگرسیون با مشارکت ورزشی تحلیل شده و تأثیر ورزش بر کاهش رفتار پرخطر مثبت به‌دست آمده است. اگرچه یافته‌های تحقیق تأثیر ورزش بر کاهش جرم را تأیید می‌کند، این مطالعه در خصوص نتیجه‌گیری‌های خوش‌بینانه در مورد تأثیر ورزش در حل مسائل اجتماعی هشدار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی

اجتماعی شدن، بزهکاری، طرد اجتماعی، کنترل اجتماعی، مشارکت ورزشی.

مقدمه

باشد (۱۱). تحقیقات نشان می‌دهد اگرچه نوع ورزش براساس خاستگاه طبقاتی متغیر است (۳)، اقشار کم‌بضاعت در جامعه ما در کل گرایش چشمگیری به ورزش نسبت به گروه‌های پردرآمد نشان می‌دهند (۱). این محبوبیت ورزش پتانسیل بالای آن را برای ایجاد تغییرات اجتماعی در جامعه نشان می‌دهد. این تحقیق با توجه به این مطلب تلاش می‌کند تأثیر مشارکت ورزشی را بر رفتار و ارزش‌های جوانان در معرض خطر بزهکاری و جرم در مناطق محروم شهری بررسی کند.

مفهوم طرد اجتماعی: مفهوم طرد اجتماعی از جمله مفاهیم متأخر در حوزه مطالعات فقر و محرومیت است که امروزه کاربرد فراوانی یافته است. می‌توان گفت طرد اجتماعی، فرایند پیش‌رونده گسست اجتماعی و جدایی افراد و گروه‌ها از روابط اجتماعی و نهادهاست که آنها را از مشارکت کامل در فعالیت‌های طبیعی و هنجاری جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند باز می‌دارد. محتوا و معیار طرد اجتماعی هرچه باشد، گروه‌ها و افراد طردشده از دسترسی و ظرفیت استفاده از فرصت‌های اجتماعی بی‌بهره‌اند. از منظر کلان، طرد، پیوندهای اجتماعی را که گروه‌ها را به یکدیگر متصل می‌کند، از میان می‌برد. بنابراین طرد اجتماعی در آن واحد پدیده‌ای هم خرد و هم کلان است (۱۴). برخلاف سایر رویکردها در خصوص فقر و محرومیت اجتماعی، می‌توان ویژگی‌های شاخص رویکرد طرد اجتماعی را کانون توجه پویا و تأکید آن بر فرایندهای ایجادکننده محرومیت دانست. از این رو رویکرد طرد اجتماعی توجه اصلی‌اش در مقابل سایر رویکردها، فرایند فقیر شدن فقرا و برخی عواقب این محرومیت است. تفاوت میان رویکرد طرد اجتماعی و رویکردهای دیگر در خصوص فقر، اتخاذ بینشی اجتماعی در شناسایی فقر است؛ زیرا طرد را ویژگی گروه‌های جامعه و نه افراد معرفی می‌سازد (۶). باید توجه داشت که همواره یک

ورزش اغلب به‌عنوان حیطة بازی جوانمردانه شناخته می‌شود که در آن فرصت‌ها برای همه برابر است. به‌نظر می‌رسد اصول و ارزش‌های ورزش مانند احترام به قوانین و احترام به رقیب، اصول غالب گفتمان ورزش‌اند. اما در طول تاریخ دوران مدرن، مشارکت در فعالیت‌های ورزشی و معانی اجتماعی آن بر مبنای نابرابری‌ها و شکاف‌های اجتماعی متفاوت بوده و در حقیقت در بسیاری موارد اشکال مختلف فعالیت‌های ورزشی خود بیانگر تفاوت‌ها و نابرابری‌های اجتماعی موجود در جامعه‌اند. اما ورزش صرفاً بازتابی از جامعه موجود نیست و امروزه بر نقش آن به‌عنوان عاملی جهت تغییر وضعیت نابرابر و ایجاد تغییرات اجتماعی بحث می‌شود.

همان‌گونه‌که جاروی اشاره می‌کند، امروزه شهرها در سرتاسر دنیا محل زندگی میلیون‌ها نفرند، اما دسترسی به اماکن ورزشی کماکان برای گروه‌های آسیب‌پذیر شهری یک مسئله و مشکل است. به‌نظر می‌رسد بخشی از جامعه اغلب در این مورد نادیده گرفته می‌شوند که حداقل دسترسی به منابع را دارند (۸). در سال‌های اخیر ورزش جایگاه مهمی در جذب اجتماعی^۱ گروه‌های طردشده پیدا کرده است. در این رویکرد ورزش قابلیت بسیاری برای بازسازی اجتماعی و اقتصادی محله‌های شهری، افزایش سرمایه اجتماعی، کاهش جرم و بزهکاری، بهبود سلامت فردی و موفقیت تحصیلی دارد (۵).

بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که از محبوبیت ورزش می‌توان برای جذب جوانان در معرض خطر به برنامه‌های ورزشی شهری و محلی به‌منظور کاهش جرم استفاده کرد. ورزش با درگیر کردن گروه‌های در معرض خطر که اغلب از طبقات محروم‌اند، می‌تواند ابزار سیاستگذاری مؤثری برای جلوگیری از بزهکاری جوانان

در حوزه بزهکاری و جرم است. نقطه قوت این تئوری ایجاد ارتباط میان افراد و نهادهای اجتماعی متعارف است. نظریه کنترل اجتماعی به جای اینکه همانند نظریات پیش از خود به این مسئله بپردازد که چرا برخی افراد روی به بزهکاری می‌آورند، به این نکته توجه می‌کند که چه چیز افراد را از ارتکاب اعمال بزهکارانه بازمی‌دارد. هیرشی بر این باور بود که بزهکاران و غیربزهکاران به یک اندازه در معرض انگیزش‌های بزهکارانه‌اند، اما تفاوت آنها در میزان محدودیت آنها در برابر این انگیزش‌هاست. به اعتقاد هیرشی کسانی که پیوندهای اجتماعی قوی‌تری دارند، بیشتر تابع هنجارهای متعارف جامعه‌اند، درحالی‌که افراد با پیوندهای اجتماعی ضعیف و شکسته‌شده احتمالاً بیشتر به رفتار بزهکارانه روی می‌آورند و از هنجارهای متعارف تخطی می‌کنند (۷). مشارکت در فعالیت‌های مورد قبول جامعه (فعالیت‌های ورزشی، مذهبی و محلی) افراد را با نهادها پیوند داده و میزان مشارکت در رفتارهای بزهکارانه را کاهش می‌دهد. باورها به‌نحو تئوریک به سایر پیوندهای اجتماعی از طریق مشروع‌سازی آنان مرتبط می‌شوند و نشان‌دهنده میزان پذیرش قوانین‌اند. کسانی که اعتقاد بالایی به هنجارهای متعارف داشته و در نتیجه آنها را پذیرفته‌اند، کمتر از سایرین از آن هنجارها تخلف می‌کنند و احتمال ارتکاب بزهکاری در آنها اندک است. افزایش سطح تعلق و تعهد می‌تواند به افزایش باور به نظم اخلاقی جامعه منجر شود و احتمال بزهکاری را کاهش دهد (۹).

نظریه پیوند افتراقی: سادرلند و کرسی مفهوم پیوند افتراقی را مطرح کردند که براساس آن رفتار انحرافی از طریق گروه همالان آموخته می‌شود. این یادگیری هم به شکل فراگیری مهارت‌های انجام جرم و هم از طریق انگیزه‌ها، تمایلات و روش‌های عقلانی سازی برای توجیه عمل مجرمانه صورت می‌گیرد. به‌نحو مشابه رفتار غیربزهکارانه نیز یاد گرفته می‌شود. به اعتقاد شیفر

"فرایند" طرد وجود دارد، بدین معنا که رفتار کنشگران یا نهادهایی خاص به طرد گروهی از افراد جامعه منجر می‌شود. این تبعیض می‌تواند در نهادهای عمومی شامل نظام قضایی، آموزشی و بهداشتی، یا نهادهای اجتماعی مانند خانواده شکل گیرد.

براساس نتایج تحقیقات در شرایطی که افراد به‌خصوص جوانان به‌سبب طردشدگی و احساس محرومیت خود را متعلق به ساختار کلی اجتماعی احساس نکند، زمینه برای ارتکاب جرم و بزهکاری مناسب می‌شود (۱۲). از این‌رو جوانان ساکن در منطقه طردشده

شهری در معرض خطرترین بخش جامعه نسبت به ارتکاب جرم و بزهکاری‌اند. بی‌شک اعتقاد نگارندگان بر این نیست که جرم و بزهکاری پدیده‌ای منحصر به طبقات محروم اجتماع است، اما نمی‌توان انکار کرد که جرم و بزهکاری جزئی از چرخه فقر و محرومیت و تداوم‌دهنده شرایط نامساعد این بخش از جامعه است.

ورزش می‌تواند سازوکاری برای کاهش طرد اجتماعی و افزایش انسجام اجتماعی در شرایط ضعف سایر سازوکارهای جذب‌کننده باشد. در حقیقت همان‌گونه‌که مدنی‌پور اشاره می‌کند، در هر جامعه سازوکارهای طردکننده و سازوکارهای جذب‌کننده وجود دارند و مهم این است که سازوکارهای جذب‌کننده بتوانند تأثیر سازوکارهای طردکننده را کاهش دهند (۱۰). ورزش به اشکال مختلف می‌تواند به کاهش جرم مرتبط باشد؛ اول، ورزش می‌تواند موجب تغییر رفتار، افزایش عزت نفس و کنترل فردی، پذیرش انضباط و عاملی جهت اجتماعی شدن افراد باشد. دوم، ورزش می‌تواند عاملی برای سرگرم ساختن و منحرف کردن افراد به‌خصوص افراد جوان از رفتار مجرمانه شود. سوم، ورزش می‌تواند ابزاری برای بازتوانبخشی بزهکاران باشد (۴). نظریه کنترل اجتماعی: نظریه کنترل اجتماعی هیرشی از پرارجاع‌ترین نظریه‌ها

داده شد. پرسشنامه‌ها حاوی ۲۰ سؤال بسته بود و توسط دانش‌آموزان در کلاس درس در زمان نبودن معلم در کلاس تکمیل شد.

متغیر وابسته تحقیق بزهکاری است که شاخص آن شامل چهار سؤال مرتبط با مصرف سیگار، شرکت در درگیری فیزیکی جمعی، مصرف الکل و مصرف مواد مخدر طی ۳۰ روز گذشته است. شاخص بزهکاری از طریق وزن‌دهی گویه‌ها براساس میزان شدت جرم (به ترتیب شدت: مصرف سیگار، درگیری جمعی، مصرف الکل و مواد مخدر) شکل گرفت.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱ نشان‌دهنده میزان فراوانی اعمال بزهکارانه در میان دانش‌آموزان است. همان‌گونه که در جدول آمده است، مصرف سیگار بالاترین فراوانی را در مصرف مواد غیرمجاز به خود اختصاص داده و حدود ۳۴ درصد دانش‌آموزان یک یا دو نخ سیگار در روز مصرف می‌کنند که عدد تکان‌دهنده‌ای است. اما درگیری فیزیکی جمعی شایع‌ترین بزهکاری در میان دانش‌آموزان با فراوانی جمعی ۴۳ درصد است. مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر نرخ پایین‌تری را به خود اختصاص داده‌اند. میزان فراوانی این بزه را با توجه به سن افراد مورد تحقیق نمی‌توان ناچیز به‌شمار آورد، بلکه با در نظر گرفتن هراس از اظهار- که از محدودیت‌های این تحقیق به‌شمار می‌آید- برآوردهای بدبینانه‌تری می‌توان از مصرف مواد مخدر و الکل در میان نوجوانان دبیرستانی داشت.

بسیاری از مربیان ورزشی نه‌تنها برای محیط ورزشی قواعد سختگیرانه‌ای اعمال می‌کنند، بلکه در خارج از حیطه ورزشی نیز بر رفتار ورزشکاران تأثیر می‌گذارند. از این‌رو ورزشکاران بسیاری از هنجارها و ارزش‌هایی را در ورزش درونی‌سازی می‌کنند که اغلب مطابق با ارزش‌های پذیرفته‌شده اجتماعی‌اند (۱۳). جامعه‌پذیری از طریق ورزش بهبود مهارت‌های اجتماعی و احساس هویت را در پی دارد. تأثیر مثبت هویت و مهارت‌های اجتماعی به محیط اجتماعی وسیع‌تر و موقعیت‌های اجتماعی متنوع‌تر ورزشکاران منتقل می‌شود (۲). نیکلاس و تایلر نیز بر اهمیت رهبری ورزشی یعنی ارائه الگوهای مناسب ورزشی در پروژه‌های محلی تأکید کرده‌اند. یکی از عوامل مهم در مشارکت ورزشی نقش دیگران مهم شامل مربیان و معلمان و سایر شرکت‌کنندگان است (۱۶). آنان با فراگیری این هنجارها بر سایر افراد نیز برای احترام به آنها تأثیر می‌گذارند. از جمله این ارزش‌ها می‌توان از اعتقاد به سخت‌کوشی به‌عنوان راه موفقیت، کامروایی معوق^۱ و اعتقاد به کار گروهی نام برد.

روش‌شناسی پژوهش

داده‌های این تحقیق از پرسشنامه‌های پر شده توسط دانش‌آموزان پسر دبیرستانی (سال دوم و سوم) از سه دبیرستان واقع در منطقه ۱۸ تهران به‌دست آمده است. در راستای اهداف تحقیق منطقه ۱۸ تهران به‌عنوان یکی از مناطق نسبتاً محروم، مهاجرنشین و با نرخ بالای جرم انتخاب شده است. دانش‌آموزان دبیرستانی این منطقه با شرایط مذکور به‌عنوان نمونه‌ای از جوانان در معرض خطر ارتکاب جرم و بزهکاری در این تحقیق مطالعه شده‌اند. نمونه کلی شامل ۲۱۲ نفر با نرخ پاسخگویی ۸۵ درصد است که پس از بررسی ۱۸۳ مورد قابل بررسی تشخیص

جدول ۱. فروانی رفتارهای بزهکارانه طی ۳۰ روز گذشته

مصرف سیگار		درگیری فیزیکی جمعی			مصرف الکل			مصرف مواد مخدر	
اصلاً	۱ یا ۲	بیش از ۲ نخ در روز	اصلاً	۱ یا ۲	بیش از ۲ بار	اصلاً	۱ یا ۲	بیش از ۲ بار	بیش از ۲ بار
۱۱۳	۶۳	۷	۱۰۴	۶۲	۱۶	۱۴۵	۳۲	۵	۱۶۱
۶۱/۷	۳۴/۴	۳/۸	۵۶/۸	۳۳/۹	۸/۷	۷۹/۷۲	۱۷/۵	۲/۷	۸۸

در جدول ۲ تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و اثر کل متغیرهای وارد شده در مدل نظری بر بزهکاری محاسبه شده است. همان گونه که مشاهده می شود، اثر غیرمستقیم مشارکت ورزشی از طریق متغیرهای چهارگانه مرتبط با

جامعه پذیری ۰/۲۴۹- به دست آمده است. این اثر غیرمستقیم شایان توجه، تأییدکننده یافته های قبلی در خصوص تأثیر ورزش بر اجتماعی شدن متناسب با ارزش های پذیرفته شده اجتماعی است.

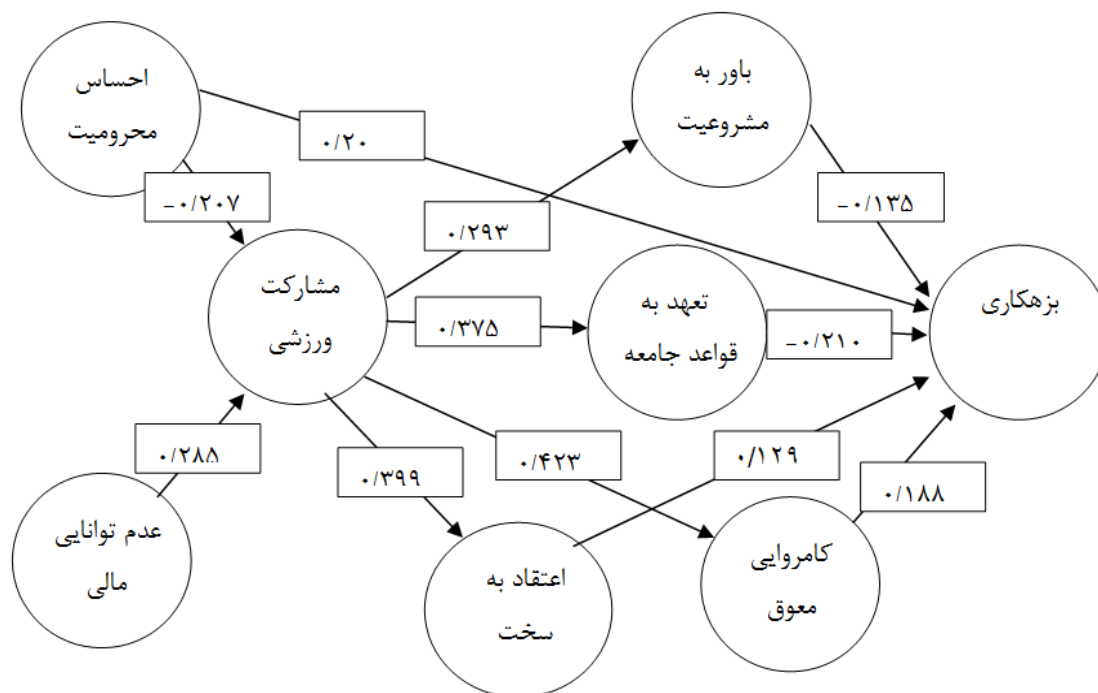
جدول ۲. تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای وابسته بر بزهکاری

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
باور به ارزش های جامعه	-۰/۱۳۵	-	-۰/۱۳۵
تعهد به قواعد جامعه	-۰/۲۱۰	-	-۰/۲۱۰
اعتقاد به سختکوشی	-۰/۱۲۹	-	-۰/۱۲۹
کامروایی معوق	-۰/۱۸۸	-	-۰/۱۸۸
مشارکت ورزشی	-	-۰/۲۴۹	-۰/۲۴۹
احساس محرومیت	۰/۲۰۰	۰/۰۵۲	۰/۲۵۲
ناتوانی مالی	-	۰/۰۷۱	۰/۰۷۱

از سوی دیگر، احساس محرومیت و ناتوانی مالی، تأثیر منفی بر مشارکت ورزشی دارند. متغیر احساس محرومیت علاوه بر اینکه به طور مستقیم تأثیر معناداری بر نرخ بزهکاری دارد، به طور غیرمستقیم از طریق کاهش مشارکت ورزشی بر نرخ بزهکاری مؤثر است. ضریب مسیر تأثیر احساس محرومیت و ناتوانی مالی بر مشارکت ورزشی به ترتیب ۰/۲۰۷- و ۰/۲۸۵- است. البته براساس مدل نظری احساس محرومیت از طریق کاهش مشارکت ورزشی نیز بر نرخ بزهکاری مؤثر است، بنابراین اثر کل آن بر بزهکاری ۰/۲۵۲ به دست آمده است.

جامعه، اعتقاد به سختکوشی به عنوان راه موفقیت و کامروایی معوق همگی تأثیر معکوس بر نرخ بزهکاری دارند. از سوی دیگر، به نظر می رسد احساس محرومیت نیز از عوامل تشدیدکننده بزهکاری در میان جوانان باشد. در معادله رگرسیون مشارکت ورزشی به طور کلی و صرف نظر از تفکیک ورزش های جمعی و فردی وارد شده است. نتایج تحلیل نشان می دهد مشارکت ورزشی با متغیرهای پیش بینی شده توسط نظریه های کنترل و پیوند افتراقی (باور، تعهد، سختکوشی و کامروایی معوق) رابطه مثبتی دارد و همان گونه که در مدل شکل ۱ نشان داده شده است، می تواند به واسطه تأثیرات غیرمستقیم بر عوامل اجتماع پذیری نقش مهمی در کاهش بزهکاری در میان جوانان در معرض خطر داشته باشد.

تحلیل رگرسیون براساس رابطه هفت متغیر مستقل و بزهکاری به عنوان متغیر وابسته صورت گرفته است. برابر انتظار عوامل باور به نظام ارزشی جامعه، تعهد به قواعد



شکل ۱. مدل روابط مشارکت ورزشی، طرد اجتماعی و بزهکاری در جوانان

بحث و نتیجه گیری

می‌گیرد. اما باید به این نکته توجه شود که اجتماعی شدن در ورزش در خلأ و جدا از جامعه صورت نمی‌گیرد. نمی‌توان انتظار داشت که در شرایط فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی مساعد برای بزهکاری جوانان، ورزش به تنهایی بتواند تمامی کمبودها و نارسایی‌های نظام اجتماعی را جبران کرده و فرایند آموزش و انتقال ارزشها به جوانان در معرض خطر را به تنهایی انجام دهد. همانگونه که گفته شد طرد اجتماعی شامل طرد از نهادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در نتیجه مجموعه‌ای از فرایندها و روابط پیچیده و دینامیک است که از دستیابی افراد یا گروهها به منابع و مشارکت آنها در جامعه و دستیابی به حقوقشان جلوگیری می‌کنند. زمانیکه محله‌های محروم شهری از فقدان منابع اقتصادی و اجتماعی، بیکاری و تعدد فضاهای ناامن شهری به عنوان بخشی جدا و طرد شده از بدنه اصلی شهر به حیات خود ادامه می‌دهند، تصور اینکه ایجاد تاسیسات ورزشی و تشویق به فعالیتهای

هدف این مطالعه آزمون نظریه‌های موجود در خصوص تاثیر مشارکت ورزشی بعنوان ساز و کار جذب اجتماعی بوده است. از آنجا که بزهکاری جوانان یکی از مسایل عمده در مناطق محروم شهری به حساب می‌آید، این مطالعه عمدتاً بر تاثیر ورزش به عنوان ساز و کار جامعه‌پذیری جوانان بر کاهش نرخ بزهکاری توجه کرده است. نظریه‌های موجود نشان می‌دهند، احساس طردشدگی و جدایی از بدنه اصلی اجتماع از عوامل تسهیل‌کننده بزهکاری در میان جوانان است. با استفاده از داده‌های مرتبط با دانش‌آموزان یکی از مناطق محروم تهران، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد: مشارکت جوانان در فعالیتهای ورزشی در جلوگیری از جرم و بزهکاری موثر است. این امر هم از طریق اجتماعی شدن از طریق ورزش و درونی کردن ارزشهای مقبول جامعه و هم از طریق سرگرم شدن جوانان و پر شدن وقت آنان صورت

راه‌های مصون ماندن جوانان از فعالیت‌های بزهکارانه معرفی می‌کند.

ضمناً نباید نادیده گرفت که ورزش می‌تواند با تاکید بر ارزشهایی چون مردانگی، سرسختی و قهرمانی، محیطی برای رفتارهای انحرافی مانند خشونت، درگیری و استفاده از داروهای غیرمجاز فراهم آورد. بنابراین ورزش به خودی خود نمی‌تواند وسیله‌ای موثر برای مقابله با رفتارهای ضد اجتماعی تلقی شود. اگرچه ورزش می‌تواند جایگزین مناسبی برای برخی از عوامل بروز جرم مانند تمایل برای هیجان، جستجوی منزلت و یا خودباوری باشد، اما این مساله نباید سبب شود بسیاری دیگر از عوامل زمینه ساز جرم نادیده گرفته شوند. در حقیقت مزایای اجتماعی ورزش باید بعنوان یک "امکان" تلقی شود. تیلور و همکاران (۱۹۹۹) نیز، تقاضا برای فعالیت‌های ورزشی را منوط به فراهم بودن بسترها و شرایط غیرورزشی از جمله داشتن وقت، عدم دغدغه‌های اقتصادی، گروه‌های همسال و مرجع موافق ورزش و ... دانسته‌اند. همانطور که اسووبودا (۱۹۹۴) بیان می‌کند همواره باید میان شرایط لازم (مثلاً مشارکت ورزشی) و شرایط کافی (یعنی فرایندهایی که حصول نتایج مطلوب را ممکن می‌سازند) تفکیک قایل شد (۱۵).

بنابراین باید در سیاست گذاری‌های ورزشی طبیعت نتایج مورد انتظار از ورزش مورد توجه قرار گیرد. برخی فعالیت‌های ورزشی می‌تواند نتایج بهتری نسبت به سایر ورزشها داشته باشند. لذا برنامه‌های مداخله‌ای که اهداف خاصی را مد نظر دارند باید نوع فعالیت ورزشی‌ای را که می‌تواند دستیابی به اهداف مورد نظر را به حداکثر رساند، را مورد توجه قرار دهند.

ورزشی به تنهایی بتواند عامل رفع طردشدگی ساکنین این مناطق باشد بسیار غیرواقع بینانه است؛ ضمن اینکه به عقیده جاروی (۲۰۰۶) دسترسی به اماکن ورزشی کماکان برای گروههای آسیب‌پذیر شهری یک مساله و مشکل است.

البته تاکید بر طبیعت پیچیده و بعضاً گیج کننده ارتباط میان ورزش، طرد اجتماعی و بزهکاری به معنای نادیده گرفتن تاثیرات ورزش نیست. به نظر میرسد مشارکت در امور ورزشی بعنوان یک ساز و کار جذب اجتماعی می‌تواند در کنار سایر سیاست‌های محرومیت زدایی موفقیت بیشتری بدست آورد. سیاست گذاری‌های ورزشی باید بر اساس فهم و تعریف دقیق عوامل بروز جرم در منطقه و ماهیت فرایندهای ورزشی در مواجهه با این عوامل باشد. نتایج واسطه‌ای یعنی تغییر در نگرشها و ارزشها که موجب حصول نتایج مطلوب یعنی تغییر رفتار می‌شوند باید مورد ارزیابی تیزبینانه قرار گیرند. به عقیده کالتر^۱ (۲۰۰۴) ورزش به اشکال مختلف می‌تواند به کاهش جرم مرتبط باشد؛ اول، ورزش می‌تواند باعث تغییر رفتار، افزایش عزت نفس و کنترل فردی، پذیرش انضباط و عاملی جهت اجتماعی شدن افراد باشد. دوم، ورزش می‌تواند عاملی جهت سرگرم ساختن و منحرف کردن افراد خصوصاً افراد جوان از رفتار مجرمانه شود. سوم، ورزش می‌تواند ابزاری برای بازتوان بخشی بزهکاران باشد (۴). شارع پور و حسینی راد (۱۳۸۷) و نیکلسون (۲۰۰۸) معتقدند ورزش از طریق تقویت روابط بین فردی و سرمایه اجتماعی، فرآیند اجتماعی شدن را بهبود می‌بخشد و متقابلاً از طردشدگی که رفتارهای بزهکارانه را به دنبال دارد جلوگیری می‌کند. پیرسون^۲ (۲۰۰۲) پرداختن به فعالیت‌های فراغتی سالم از جمله ورزش و هنر را یکی از

1 . Coalter
2 . Pierson

منابع و مآخذ

۱. شارع پور، محمود؛ حسینی راد، علی (۱۳۸۷). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی»، نشریه حرکت، ش ۳۷، ص ۱۵۴-۱۳۱.
۲. صداقت‌زادگان، شهناز (۱۳۸۴). «جامعه‌پذیری در ورزش»، نشریه المپیک، ش ۳۲، ص ۷۱-۶۱.
۳. صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۳). «فرهنگ و نابرابری رفتار ورزشی»، نشریه المپیک، ش ۲۵، ص ۱۰۶-۸۹.
4. Coalter, F. (2004). **“Sport and Social Inclusion”**. Paris: INSEP.
5. Coalter, F. (2007). **“Wider Social Role For Sport”**. London: Routledge.
6. Collins, M., & Kay, T. (2002). **“Sport and Social Exclusion”**. London: Routledge.
7. Hirschi, T. (1969). **“Causes of Delinquency”**. New Brunswick and London: Transaction Publishers.
8. Jarvie, G. (2006). **“Sport, Culture and Society”**. London: Routledge.
9. Laundra, K. H., & Kiger, G. F. (2002). **“A social development model of serious delinquency”**. Journal of Primary Prevention, 389-407.
10. LeGates, R., & Stout, F. (2003). **“The City Reader”**. London: Routledge.
11. Nicholson, M., & Hoye, R. (2008). **“Sport and social capital”**. London: Elsevier Ltd.
12. Pierson, J. (2002). **“Tackling social exclusion”**. London: Routledge.
13. Schafer, W. (1969). **“Some Social Sources and Consequences of Inter-Scholastic Athletics”**. International Review of Sport Sociology, 63-81.
14. Silver, H. (1994). **“Social Exclusion; Three Paradigms”**. International Labour Review, 530-578.
15. Svoboda, B. (1994). **“Sport and Physical activity as socialization Environment”**. CDDS.
16. Taylor, P., Crow, I., & Nicholas, G. (1999). **“Demanding Physical Activity”**. London: Home Office.

Social Exclusion, Juvenile Delinquency and Sport Participation

Amin Dehghan Ghahfarokhi^{1*} - Amin Rashidlamir²

1. Assistant Professor of Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran 2. Assistant Professor of Sport Management, Faculty of Humanities, University of Neyshabur, Neyshabur, Iran

(Received: 2014/12/26; Accepted: 2015/6/15)

Abstract

Sport is considered as a social inclusion mechanism against social exclusion mechanisms. Socialization via sport has been a factor to internalize a sense of social belonging in endangered groups which is manifested in juvenile delinquency. Using data from interviews with 183 high school students of deprived urban regions, the role of sport in socially accepted beliefs and attitudes was investigated. Using regression analysis, those factors changing behavior with sport participation were analyzed and the effect of sport on the lower juvenile delinquency was positive. Although this study supported the effect of sport on decreased crimes, it warns against the optimistic conclusions of the effect of sport on tackling social problems.

Keywords

social exclusion, delinquency, sport participation, socialization, social control.

* Corresponding Author: Email: a_dehghan@ut.ac.ir, Tel: +989132826781